



فرحناز دهقی / خبرنگار

اودرباره آخر وعاقبت رقابت شبکه های کابلی و پلتفرم های آنلاین نوشته است

جمع خوانی

آیین یک نبرد



در جهان شود که ده‌ها میلیون نفر در جهان مخاطب هر اپیزود باشند. پیترسون می‌گوید، اگر چه پیدایش کانال‌های اینترنتی قدم بزرگی در تحول صنعت سریال‌سازی برداشتند اما همچنان شبکه‌های کابلی در تلاش هستند با جنگ و دندان نقش خود را به عنوان پیشرو حفظ کنند. تاپیش از این شبکه‌های کابلی با خلق شیوه و تکنیک‌های روایی سردمدار سریال‌سازی بودند اما اکنون پلتفرم‌های آنلاین با تهیه‌کنندگی سریال‌های big production یا سریال‌هایی که با علم در آمیختگی کم‌نظیری دارند، تلاش می‌کنند جای پای خود را در این صنعت محکم کنند. شبکه کابلی اچ‌بی‌او در سال ۱۹۹۷، برنامه‌ای را در دستور کار خود قرار داد که نتیجه‌اش ساخت سریال‌هایی همچون شهر و جنسیت، شش فوت زیر زمین و سوپرانو‌ها شد؛ سریال‌هایی که دهه‌ها پس از گذشت پایان‌شان همچنان در صدر محبوب‌ترین‌ها هستند؛ اتفاقی که شاید دیگر در آینده شاهد روی دادنش نباشیم!

ورود غول بزرگ

تتفلیکس یک شرکت پویا در زمینه تولید محتوای بصری و توزیع آن است که در سراسر جهان بیش از ۱۶۷ میلیون مشترک دارد که ماهانه با پرداخت حق اشتراکی به میلیون‌ها محتوای بصری اعم از سریال، فیلم سینمایی، مستند، فیلم آموزشی، تئاتر، کنسرت و... دسترسی دارند. تتفلیکس در ابتدا تنها به توزیع این دسته محتوا مشغول بود اما کم‌کم وارد عرصه ساخت و تولید شد و با تهیه محتوای اصلی گام بزرگی در تحول صنعت سریال‌سازی ایجاد کرد. تتفلیکس با اعمال رویکردی جدید در این صنعت، باعث شد شرکت‌های کابلی نیز ناچار شوند رویه خود را تغییر دهند و وارد بازی‌ای شوند که تتفلیکس بنیانگذارش است. در سال ۲۰۱۹، ۲۲ میلیون خانواده امریکایی اشتراک شبکه کابلی خود را لغو کردند و پیش‌بینی می‌شود این عدد در سال ۲۰۲۳ به ۳۴.۹ میلیون خانوار برسد. عدم محدودیت در قوانین، فراگیری اینترنت و برداشته شدن مرزهای فرهنگی مردم جهان، سرمایه‌گذاری هنگفت و... از جمله عوامل موفقیت شبکه‌های اینترنتی هستند.

اما رسیدن به این موفقیت برای تتفلیکس به این سادگی هاهم نبود، در سال ۲۰۱۳ که مدیران این شرکت تصمیم گرفتند وارد کارزار تهیه و تولید فیلم و سریال شوند، منتقدان بسیاری این تلاش را محکوم به شکست دانستند؛ بسیاری از آنها اعتقاد داشتند در رقابت با

شرکت‌های بزرگ تولیدکننده فیلم که دهه‌ها در این صنعت حضور و فعالیت داشتند، تتفلیکس جسارتی حماقت‌بار پیدا کرده است. تتفلیکس بی‌اعتنا به این پیش‌بینی‌ها، سرمایه‌عظیمی را به میان آورد و شروع به ساخت سریال کرد. خانه پوشالی، نارنجی، سیاه جدید است، تاج و... نتیجه این جسارت است. با این سه سریال، تتفلیکس به میلیون‌ها مخاطب وفاداری رسید که به سریال‌های بعدی هم اعتماد کردند و میلیون‌ها بیننده پای ثابت سریال‌های تتفلیکس شدند. قدم بعدی تتفلیکس از این هم بلند پروازانه‌تر بود؛ انتشار همزمان اپیزودهای کامل یک فصل! دیوانگی محض، تتفلیکس در آستانه سقوط! خودکشی تتفلیکس و... تیتراژ داشت‌های

منتقدانی بود که عملی شدن این تصمیم را پایان تتفلیکس قلمداد می‌کردند. اما این بار هم منتقدان اشتباه می‌کردند، مخاطبان نشان دادند دوره توزیع قطره‌چکانی اپیزودهای یک سریال، مدت‌هاست تمام شده. آمارها نشان می‌داد با این روش تازه، همچنان شور و اشتیاق مخاطبان برای پیگیری سریال و تماشای آنها برقرار است. تتفلیکس باعث شد شبکه‌های کابلی برای رقابت با این غول عظیم‌الجثه، انعطاف بیشتری از خود نشان دهند و در مقابل برای یافتن استعدادهای تازه و خلاقیت تکاپوی بیشتری کنند. این تجربه نشان داد نمی‌توان پیش‌بینی قاطعی از صنعت سریال‌سازی ارائه کرد؛ اما بدون شک آینده از آن خلاقیت است؛ امروز گوگل، اپل، آمازون، دیزنی و... هم وارد این عرصه شدند تا در رقابت با یکدیگر محتوای باکیفیت‌تری را به دست مخاطبی برسانند که خسته از احوال روزمره خود در تکاپوی یافتن جیره‌ای برای ادامه زندگی است.

منابع: ساینس نور دیک

اینوستپدیا

گاردین

سازندگان سریال، این بود که مخاطب را سرگرم کنند، بخندانند و برای او اوقات مفرحی را فراهم کنند. اما اکنون شاهد این هستیم که اهداف سازندگان از این محدوده فراتر رفته است. ضمن اینکه به نظر من قبلاً سازندگان در تلاش بودند تمام بینندگان را جذب کنند، اما حالا سازندگان جامعه هدف مشخصی را مد نظر قرار می‌دهند و برای جلب رضایت آنها می‌کوشند. بخش مهمی از این تغییر نگرش و هدف، به پیشرفت‌های تکنولوژیک مربوط است. حالا تماشای سریال از مدیوم تلویزیون و شبکه‌های کابلی فراتر رفته و با پیدایش پلتفرم‌هایی مانند تتفلیکس، سریال و تلویزیون دو مبحث مجزا تلقی می‌شوند. تنوعی که در انواع سریال‌ها ایجاد شده، سبب می‌شود مخاطب و سازندگان هدفمندانه‌تر و هوشمندانه‌تر یکدیگر را پیدا کنند.

اولیور مندس استاد دانشگاه رسانه گلد اسمیت می‌گوید، تا سال‌ها سریال، پشت فیلم‌های سینما قرار داشت اما حالا همه چیز تغییر پیدا کرده است. به گفته او، با ورود نسل جدید به عرصه انتخاب، محبوبیت سریال بشدت افزایش یافت و سازندگان تولیدات خود را مطابق با استانداردهای سینمایی ارتقا دادند. ورود کارگردان‌های طراز اول سینما از جمله مارتین اسکورسیزی، استیون اسپیلبرگ، برادران کوئن و بازیگرانی مانند کیت وینسلت، متیو مک کانچی، کوین اسپسی، نیکول کیدمن و... و نویسندگان بزرگی مانند آرون سورکین، گرگ دنیل، دیوید بنیوف و... باعث شد سریال‌سازی تبدیل به صنعتی

«برکینگ بد»، «مدمن»، «دکستر»، «بازی تاج و تخت»، «خانواده مدرن»، «ویکتوریا»، «شرلوک»، «دوستان» و... فهرست سریال‌هایی که طی سال‌های اخیر وارد زبان دوستان و آشنایان شده و طمعکارانه پای ما هم به این دام کشیده شده، طولانی است. چه صبح‌ها که از فرط بی‌خوابی شب گذشته و عیش تماشای مداوم اپیزود به اپیزود سریال محبوب مان با خمیازه‌های ملال‌آور و کسدار پشت میز کار مان طی شد. برای آدم درونگرایی مانند من، هنوز هم بهترین ساعات زندگی‌ام گر خورده به لحظه‌ای که با یک بالش نرم و یک بغل خوراکی محبوب، می‌خزم به گوشه دنج و امنم و لپ‌تاپ را به امید دیدن اپیزود تازه از سریالی که به عمق جان دوست دارم، باز می‌کنم. سخت باورم می‌شود از روزهایی که دی‌وی‌دی‌های خش‌گرفته لاست را مثل یک گنج سخت‌یافته دست به دست می‌چرخانیدیم تا این چرخه توزیع ثروت را به عدالت و قاعده به حرکت واداریم، ۱۰ سال گذشته است. حالا هم اگر چه سخت، اما باز هم می‌شود لایه به لایه سریال‌های تتفلیکس و اچ‌بی‌او و شو‌تایم، چیزکی پیدا کرد که به همان اندازه یکی، دوروزی حالمان را جابجاورد و روز و شبمان با فکر کردن به احوال آن سریال بگذرد. هنوز هم می‌توان با سیر داستان ساده دلانه رجب خور و حریصانه به انتظار لحظه سقوط شخصیت منفور سریال نشست؛ بیخودی نیست که می‌گویند فاز سوم دوره طلایی سریال تازه آغاز شده است و روز به روز کیفیت سریال‌ها در فرم و محتوا پیشتر می‌شود. برایان پترسون، دانشجوی مقطع دکترای دپارتمان رسانه دانشگاه ارتباطات کپنهاگ یکی از ما میلیون‌ها انسانی است که روزهایش را به عشق رسیدن اپیزود سریال محبوبش طی می‌کند و لحظات شاد زندگی‌اش را مدیون پلتفرم تتفلیکس است. او که رساله‌اش را درباره سریال‌ها نوشته، اعتقاد دارد طی ۳۰ سال اخیر صنعت سریال‌سازی خیز قدرتمندی برداشته و توانسته شمایل قدرتمندتری نسبت به گذشته پیدا کند. او می‌گوید: این خیز از دهه ۸۰ میلادی آغاز شد و سریال‌هایی مانند «Twin Peaks» و «The West Wing» قدم مهمی در راه این انقلاب برداشتند. حالا با تلفیق فکر، تکنولوژی، ایده، هنر و علم سریال‌هایی ساخته می‌شوند که میلیون‌ها انسان را در سراسر کره زمین با هر زمینه فکری، تحصیلی و شغلی اقناع می‌کنند.

نور، دوربین، کیفیت

اکنون محبوب‌ترین سریال‌ها، آنهایی هستند که ذهن مخاطب را به چالش می‌کشند و با ارائه گره‌های به‌ظاهر باز نشدنی، خیال، تجسم و احساسات او را با خود همراه می‌کنند. پترسون می‌گوید: واقعیت این است که تاپیش از این بزرگ‌ترین هدف